



- تحلیلی بر اصول اساسی حاکم بر ضمانتنامه‌های عندالمطالبه در حقوق تجارت بین‌الملل با نگاهی به لایحه تجارت
همایون مافی، مهدی فلاح خاریکی
- تابعیت مضاعف در حقوق ایران و انگلستان
رضا حسین گندم کار، حسام الدین ترکمن، شهرروز دربندی
- شرایط پرداخت نفقه و ضمانت‌های حقوقی و کیفری استتکاف از پرداخت نفقه در فرانسه و ترکیه
آرش کامرانلو، سبحان طیبی
- مسئولیت مدنی دولت در قبال اطاله دادرسی
ابوالفتح خالقی، فاطمه خدابنده
- تحلیل حقوقی شرط دوره توقف در معاهدات سرمایه‌گذاری خارجی
مجتبی اصغریان، محدثه احمدآبادی، محمدرضا افشاری
- نقش قوه قضاییه در پیوند امنیت قضایی و امنیت اقتصادی
محمود حبیبی تبار، امیر اسماعیلی
- اصل عدم قطع؛ اصلی بنیادین در تحدید حدود مناطق دریایی
محسن بهجتی
- جستاری در توجیحات فایده‌گرایانه معاصر از مجازات؛ از بازدارندگی عام تا پیشگیری عام
محمد مهدی صادقی
- اجرای تعهدات متوفی در حقوق ایران و فرانسه
یونس باقری
- اصالت اختیار زنان در رابطه با زناشوئی و طلاق در حقوق ایران باستان
محمد مهدی داور، سعیده تسلیمی
- بررسی انتقادی صلاحیت اضافی محاکم کیفری اختصاصی در مواجهه با همکاری مجرمانه
سید محمد خضری
- شرایط ناعادلانه در مقررات قراردادهای مصرف کننده ۱۹۹۹ میلادی انگلستان
امیر محمد ماهرخ
- تحلیلی بر جایگاه اجازه نامه مقام معظم رهبری مبنی بر توسعه صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح در نظام حقوقی ایران
محمد خورشیدی اطر
- جستاری در علل ظهور عمل گرایي در سیاست کیفری جرائم اقتصادی
رستم علی اکبری، آرزو چراغی، ارسلان مرادی
- حق خروج از کشور طفل توسط مادر چالشی در رویه قضایی ایران (با تأکید بر دادنامه صادره شعبه یازدهم دادگاه تجدیدنظر استان مازندران)
محمد سعید حسینی، شایسته صالحی، ناهید قاسمی، محسن مهدیزاده
- مسئولیت مدنی تورهای زیارتی در برابر خسارات وارده به زائران
علیرضا شمشیری، پریسا رضوان
- جرائم ارتكابی علیه میراث فرهنگی در حقوق ایران و ایالات متحده آمریکا
وحید کیومرثی، مسعود مصطفی‌پور
- تحلیل فقهی و حقوقی مسئولیت مأموران آتش نشانی در نظام حقوقی ایران و انگلستان
مجید کیانی‌راد
- مسیرهای پر چالش پیش روی آینده حقوق هوش مصنوعی
بهرخ گنجی، محمد غریب شاه
- آثار بیع خیاری در حقوق ایران و فرانسه
اردشیر امجدی گلپایگانی
- تدابیر پیشگیری از فساد مالی در نظام بانکی ایران: آسیب‌شناسی و راهکارهای بهبود در دو حوزه کنشی و واکنشی
سید بهمن اکبری
- ضرورت های قرارداد در حقوق تجارت الکترونیک ایران
محسن فلاح، خاطره دروگر لیچاهی
- تحلیلی بر سیاست کیفری حبس گرای سخت گیرانه و سهل گیرانه در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح
یاسر شاکری
- حقوق بشر، پراگماتیسم و محدودیت های نظریه اخلاقی: مروری بر حقوق بشر به مثابه سیاست و بتوارگی
سهیل گلچین



The Principle of Non-Cut Off; The Fundamental Principle in the Delimitation of Maritime Zones

اصل عدم قطع؛ اصلی بنیادین در تحدید حدود مناطق دریایی

Mohsen Behjati

Master of International Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran

محسن بهجتی

کارشناس ارشد حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

mohsen.behjati@yahoo.com

<http://orcid.org/0009-0001-9646-5616>

Abstract

The delimitation of maritime zones (exclusive economic zone and continental shelf) is considered one of the most important and complex issues related to the rights of the seas. Although the rules related to the delimitation of the exclusive economic zone and the continental shelf are included in the Convention on the Law of the Sea, these rules are general. As a result, to make the delimitation of the exclusive economic zone and the continental shelf equitable, the equitable principles should be referred to. This article seeks to answer whether the principle of non-cutoff as a well-known principle of international law can be applied to reach an equity result in delimiting the boundaries of the exclusive economic zone and the continental shelf? Investigating this issue is necessary to make the delimitation of maritime zones equitable, and it also reduces the complexity of delimitation. In addition, clarifying this issue can lead to the realization of Iran's rights in the field of its hasn't been delimited maritime zones with other coastal states. The findings of this research show that the principle of non-cutoff is one of the generally recognized principles of international law, and it takes precedence over other equitable principles. Also, applying this principle will modify and adjust the equidistant line method or change it.

Keywords: Delimitation, Equitable Principles, The Principle of Non-Cut Off, Exclusive Economic Zone, Continental Shelf.

چکیده

تحدید حدود مناطق دریایی (منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره) یکی از مهم‌ترین و پیچیده‌ترین مسائل مربوط به حقوق دریاهای محسوب می‌شود. با وجود این که قواعد مربوط به تحدید حدود منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره در کنوانسیون حقوق دریاهای گنجانده شده، ولی این قواعد ماهیت کلی دارند. در نتیجه برای منصفانه شدن تحدید حدود منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره باید به اصول انصاف رجوع نمود. این نوشتار در پی پاسخ به این پرسش است که آیا اصل عدم قطع به‌عنوان یک اصل شناخته شده حقوق بین‌الملل برای رسیدن به نتیجه منصفانه در تحدید حدود منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره قابل اعمال است؟ بررسی این مسئله برای منصفانه شدن تحدید حدود مناطق دریایی ضروری است و همچنین از پیچیدگی‌های تحدید حدود می‌کاهد. به‌علاوه، مشخص شدن این موضوع می‌تواند باعث احقاق حقوق ایران در زمینه مناطق دریایی تحدید حدود نشده اش با دیگر کشورهای ساحلی گردد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که اصل عدم قطع یکی از اصول عموماً شناخته شده حقوق بین‌الملل و بر دیگر اصول انصاف مقدم است. همچنین اعمال این اصل باعث اصلاح و تعدیل روش خط هم‌فاصله و یا تغییر آن می‌شود.

واژگان کلیدی: اصل انصاف، اصل عدم قطع، تحدید حدود، منطقه انحصاری اقتصادی، فلات قاره.

ارجاع:

بهجتی، محسن؛ (۱۴۰۳)، اصل عدم قطع؛ اصلی بنیادین در تحدید حدود مناطق دریایی، تمدن حقوقی، شماره ۲۲.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY-NC-SA



مقدمه

در صورتی که مناطق دریایی^۱ دو کشور ساحلی با یکدیگر تداخل پیدا کنند، تحدید حدود مناطق دریایی با توجه به حجم زیادی از منابع اقتصادی در آنها، اهمیت زیادی خواهند داشت (Tanaka, 2019, 2). تحدید حدود^۲ دریایی در مفهوم مضیق به معنی جداسازی مرز دریایی یک کشور از کشوری دیگر به وسیله ترسیم خطوط است (طلایی و همکاران، ۱۳۹۵، ۱۰۵). ولی در معنای موسع، تحت عنوان ترسیم خطوط جداکننده بر مناطق دریایی دو کشور ساحلی که با یکدیگر تداخل دارند، تعریف می‌گردد (طلایی و همکاران، ۱۳۹۵، ۱۰۶).

تحدید حدود یک عمل بین‌المللی است که به طور یک‌جانبه مؤثر نخواهد بود. در قضیه خلیج ماین دیوان بین‌المللی دادگستری بیان کرده که هیچ‌گونه تحدید حدود دریایی بین دو کشور مقابل و مجاور به صورت یک‌جانبه صورت نمی‌گیرد (رسول‌پور نالکیاشری و همکاران، ۱۳۹۹، ۳۵). تحدید حدود دریایی موضوعی بسیار پیچیده‌ای است.^۳ قواعد مربوط به تحدید حدود منطقه انحصاری اقتصادی^۴ و فلات قاره^۵ در

1- Maritime Zones

2- Delimitation

3- Handbook on the Delimitation, 2000, 12

4- Exclusive Economic Zone

5- Continental Shelf

کنوانسیون^۶ ۱۹۸۲ میلادی سازمان ملل متحد درباره حقوق دریاها^۷ گنجانده شده است.^۸ هدف اصلی تحدید حدود در رویه قضایی، تقسیم منصفانه مناطق دریایی است (Lagoni & Vignes, 2006, 80).

باید توجه داشت که اصول مربوط به تحدید حدود مناطق دریایی عمدتاً از طریق رویه قضایی دیوان بین‌المللی دادگستری و یا سایر مراجع قضایی و داوری بین‌المللی ایجاد می‌گردد. این اصول تحت عنوان قواعد ساخته شده توسط قضاات نیز شناخته می‌شوند (Oude Elferink & et.al, 2018, 3). کنوانسیون حقوق دریاها در ماده‌های ۷۴ و ۸۳ خود مقرر کرده که تحدید حدود منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره بین کشورهایی که سواحل مقابل یا مجاور دارند به منظور دستیابی به یک راه‌حل منصفانه^۹، از طریق توافق بر اساس حقوق بین‌الملل، چنان‌که در ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری آمده، انجام خواهد شد. همان‌طور که مشخص است قواعد مندرج در این کنوانسیون ماهیت کلی دارند و مشخص نمی‌کنند که برای دستیابی به یک نتیجه منصفانه به چه مواردی می‌توان استناد کرد. از آغاز حقوق تحدید حدود دریایی محاکمه بین‌المللی به اصل انصاف^{۱۰} همیشه استناد کرده‌اند. مراجع قضایی و داوری بین‌المللی همواره تأکید کرده‌اند که اصل انصاف باعث می‌گردد که تحدید حدود مناطق دریایی منصفانه شوند. در نتیجه، مشخص شدن اصل مهم و تعیین‌کننده در تحدید حدود مناطق دریایی برای منصفانه شدن تحدید حدود ضروری است. همچنین، این امر منجر می‌گردد که از پیچیدگی تحدید حدود مناطق دریایی کاسته شود. به علاوه، مشخص شدن اصل مهم و تعیین‌کننده در تحدید حدود مناطق دریایی می‌تواند مستند ایران در مناطق دریایی تحدید حدود نشده اش با سایر کشورها گردد و حقوق ایران در این زمینه احقاق شود.

این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش است که آیا اصل عدم قطع به‌عنوان یک اصل شناخته شده حقوق بین‌الملل برای رسیدن به نتیجه منصفانه در تحدید حدود منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره قابل اعمال است؟ و با فرض اعمال اصل عدم قطع، برای روش خط هم فاصله چه اتفاقی روی خواهد داد؟ در این راستا، ابتدا به بررسی قواعد تحدید حدود منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره در کنوانسیون حقوق دریاها خواهیم پرداخت. سپس به تجزیه و تحلیل اصول انصاف در تحدید حدود دریایی می‌پردازیم و در

۶- کنوانسیون حقوق دریاها.

7- United Nations Convention on The Law of the Sea (hereinafter UNCLOS)

8- United Nations Convention on the Law of the Sea (opened for signature 10 December 1982, entered into force 16 November 1994), 1833-1835, UNTS p. 3.

9- In Order To Achieve an Equitable Solution

10- Equitable Principles

ادامه به تشریح مفهوم اصل عدم قطع در تحدید حدود مناطق دریایی پرداخته خواهد شد و در نهایت نقش و جایگاه اصل عدم قطع در رویه قضایی را بیان خواهیم نمود.

۱- قواعد تحدید حدود منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره در کنوانسیون حقوق دریاها

ماده‌های ۷۴ و ۸۳ کنوانسیون حقوق دریاها مربوط به تحدید حدود منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره است. ماده ۷۴ کنوانسیون حقوق دریاها مقرر کرده است که: اول- تحدید حدود منطقه انحصاری اقتصادی^{۱۱} بین کشورهای که سواحل مقابل یا مجاور یکدیگر دارند به منظور دستیابی به یک راه حل منصفانه، از طریق توافق بر اساس حقوق بین‌الملل، چنان که در ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری آمده، انجام خواهد شد. دوم- چنان چه در مدت زمانی معقول توافقی حاصل نشود، کشورهای ذیربط به آیین‌های مندرج در قسمت پانزدهم متوسل خواهند شد. سوم- تا حصول توافق به ترتیب پیش بینی شده در بند اول، کشورهای ذیربط مکلف‌اند، با روح تفاهم و همکاری، تلاش نمایند تا بین خود به ترتیبات موقتی که ماهیت عملی داشته باشد، دست یابند و در این دوره انتقالی محل یا مانع دستیابی به توافق نهایی نشوند. این ترتیبات موقتی به تحدید حدود نهایی لطمه‌ای وارد نخواهد کرد. چهارم- هرگاه بین کشورهای ذیربط موافقتنامه معتبری لازم‌الاجرا باشد، در مورد مسائل مربوط به تحدید حدود منطقه انحصاری اقتصادی بر طبق مقررات آن موافقتنامه تصمیم گرفته خواهد شد.^{۱۲} همچنین در ماده ۸۳ کنوانسیون حقوق دریاها مقرر شده: اول- تحدید حدود فلات قاره^{۱۳} بین کشورهای

۱۱- انتشار اعلامیه‌هایی درباره فلات قاره و شیلات در مناطق معینی از دریای آزاد را می‌توان نقطه عطف ایجاد مفهوم منطقه انحصاری اقتصادی دانست. در سال ۱۹۵۲ میلادی شیلی، پرو و اکوادور اعلامیه سانتیاگو را در مورد منطقه دریایی امضاء و اعلام کردند، هر کشوری بر منطقه‌ای از مجاورت سواحل خود واجد حاکمیت و صلاحیت است و این حاکمیت و صلاحیت حداقل تا دو بیست مایل دریایی ادامه پیدا می‌کند. مفهوم منطقه انحصاری اقتصادی از ابداعات سومین اجلاس سازمان ملل متحد در مورد حقوق دریاها است. باید توجه داشت که تا نیمه قرن بیستم، ماورای دریای سرزمینی و منطقه مجاور به منزله دریای آزاد در نظر گرفته می‌شد و هیچ دولتی بر آن صلاحیتی نداشت. ماده‌های مرتبط با منطقه انحصاری اقتصادی در بخش پنجم کنوانسیون حقوق دریاها مقرر شده است (رسول پورنالکیاشری و جعفری، ۱۴۰۱، ۲۷۷).

12- UNCLOS, 1982, art74

۱۳- اصطلاح فلات قاره برای اولین بار در اواخر قرن نوزدهم به کار رفته و از نظر زمین‌شناختی و ریخت‌شناسی زمین، فلات قاره به مناطقی در زیر آب اطلاق می‌گردد که از ساحل تا نقطه‌ای امتداد می‌یابد که در آن برش و پرتگاه تند و محسوس سرایشب قاره وجود دارد. از دیدگاه علم ریخت‌شناسی بستر دریا، فلات قاره یک سکوی کم شیب در بستر دریا است که در امتداد طبیعی سرزمین اصلی قرار دارد. این تعریف از مفهوم فلات قاره بیشتر ناظر بر شکل ظاهری و جنبه‌های فیزیکی آن است (رسول پورنالکیاشری و جعفری، ۱۴۰۱، ۲۷۶). اصطلاح فلات قاره در زبان حقوقی با مفهوم زمین‌شناسی آن متفاوت است. ماده ۷۶ کنوانسیون حقوق دریاها مقرر نموده که اصطلاح فلات قاره شامل بستر و

که سواحل مقابل یا مجاور یکدیگر دارند به منظور دستیابی به یک راه حل منصفانه، از طریق توافق بر اساس حقوق بین الملل، چنان که در ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری آمده، انجام خواهد شد. دوم - چنان چه در مدت زمانی معقول توافقی حاصل نشود، کشورهای ذیربط به آیین های مندرج در قسمت پانزدهم متوسل خواهند شد.^{۱۴} باید بیان داشت که ماده های ۷۴ و ۸۳ کنوانسیون، هیچ تفاوتی با یکدیگر ندارند. اگر چه منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره از نظر ماهیت با یکدیگر متفاوت هستند ولی تدوین کنندگان کنوانسیون تنها واژه های منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره را در این ماده ها تغییر داده اند.

در بند اول ماده های ۷۴ و ۸۳ کنوانسیون حقوق دریاها به روش خاصی برای تعیین حدود منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره اشاره نشده است و تعیین حدود را به طرف ها واگذار کرده که باید بر اساس توافق میان کشورهای مقابل و مجاور صورت گیرد. در ماده های ۷۴ و ۸۳ کنوانسیون از عبارت راه حل منصفانه استفاده شده است. عبارت راه حل منصفانه^{۱۵} بسیار مبهم است. در غیاب راهنمایی روشن در کنوانسیون حقوق دریاها در مورد قواعد تعیین حدود منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره، باید به رویه مراجع قضایی و داوری بین المللی رجوع نمود. در قضیه فلات قاره دریای شمال، دیوان بین المللی دادگستری بیان نموده که تعیین حدود باید با توافق میان کشورهای ساحلی صورت گیرد و چنین توافقی باید بر اساس اصول انصاف به دست آید.^{۱۶}

با توجه به ماده های ۷۴ و ۸۳ کنوانسیون حقوق دریاها هدف تعیین حدود دستیابی به یک راه حل منصفانه است که برای رسیدن به این منظور باید به اصل انصاف قابل اعمال در تعیین حدود منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره استناد نمود. باید توجه نمود که ماده های ۷۴ و ۸۳ کنوانسیون به دلیل عدم تحمیل روشی خاص و همچنین واگذار کردن تعیین حدود به توافق طرف ها، امروزه به قاعده عرفی تبدیل شده اند و کشورهای ساحلی در چهارچوب توافقات خود و یا مراجع قضایی و داوری بین المللی به این ماده ها استناد می کنند.

زیربستر دریا، ماورای دریای سرزمینی کشور ساحلی و در امتداد قلمرو آن کشور قرار دارد و ممکن است تا لبه بیرونی حاشیه قاره و یا تا فاصله دویست مایل دریایی ادامه پیدا کند. در مفهوم حقوقی، به فلات قاره «فلات قاره قانونی» گفته می شود. در نتیجه، فلات قاره در مفهوم زمین شکل شناختی همواره بخشی از فلات قاره قانونی محسوب می شود (صیرفی، ۱۳۹۴، ۱۱۲۹).

14- UNCLOS, 1982, art 83

15- Equitable Solution

16- ICJ Reports, 1969, North Sea Continental Shelf (Federal Republic of Germany v Netherlands) (Federal Republic of Germany v Denmark), paras. 85, 53, 101.

۲- اصل انصاف در تحدید حدود دریایی

انصاف سال‌ها است که برای تحدید حدود منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره، توسط مراجع قضایی و داوری بین‌المللی و همچنین معاهدات تحدید حدود، حتی پیش از لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون حقوق دریاها مورد استناد قرار می‌گیرد. از زمانی که مراجع قضایی و داوری بین‌المللی مطابق ماده‌های ۷۴ و ۸۳ کنوانسیون حقوق دریاها موظف شده‌اند که به استناد صریح این ماده‌ها منصفانه عمل نمایند، ارجاع به انصاف در رویه قضایی با روندی رو به رشد مواجه شده است (Sumer, 2023, 755). مفهوم انصاف در حقوق بین‌الملل عمومی به‌عنوان منبع فرعی تلقی شده است ولی در حقوق دریاها یک مفهوم مستقل است. انصاف را می‌توان به کارگیری اصول عدالت تعریف کرد که منجر به اصلاح قواعد حقوقی انعطاف‌ناپذیر و خشک می‌شود. انصاف محتوای قواعد حقوقی را کامل و یا حتی حذف می‌نماید. عدالتی که از انصاف نشأت می‌گیرد، بر اساس قواعد حقوقی ایجاد می‌شود. در ادامه به مفهوم اصل انصاف در تحدید حدود مناطق دریایی می‌پردازیم.

مراجع قضایی و داوری بین‌المللی همواره تأکید می‌کنند که اصل انصاف در قلب تحدید حدود دریایی نهفته است. پیدایش اصل انصاف در تحدید حدود مناطق دریایی به اعلامیه ۱۹۴۵ میلادی ترومن رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده آمریکا باز می‌گردد. در این اعلامیه آمده است که ادعاهای تداخل فلات قاره میان ایالات متحده آمریکا و کشورهای دیگر باید بر اساس اصول انصاف حل و فصل گردد.^{۱۷} ارجاع به مفهوم آن ابتدا توسط دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه فلات قاره دریای شمال و سپس توسط سایر مراجع قضایی و داوری بین‌المللی مورد استناد قرار گرفت.^{۱۸} دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه تونس علیه لیبی، معنای اصول انصاف را این‌گونه شرح می‌دهد: منصفانه بودن یک اصل باید در پرتو مفید بودن آن برای رسیدن به یک نتیجه منصفانه ارزیابی گردد و اصولی که توسط محاکم بین‌المللی مشخص می‌شوند، باید بر اساس اثرگذاری آن‌ها برای دستیابی به یک نتیجه منصفانه انتخاب شوند.^{۱۹} پس می‌توان بیان نمود، هدف از اصل انصاف دستیابی به یک نتیجه منصفانه است (آرائی درون‌کلا و همکاران، ۱۳۹۸، ۴۱۶). برای دستیابی به یک نتیجه منصفانه، مراجع قضایی و داوری بین‌المللی اعلام

17- Acikgonul & Lucas (Maritime Delimitation Law) (n 326) 164-165.

18- Ibid.

19- Tunisia v. Libyan Arab Jamahiriya Case (n 378) p.75.

کرده‌اند که باید کیفیات مؤثر^{۲۰} در هر قضیه را باتوجه به منافع طرف‌ها در نظر گرفت (Cai,2006,45). ماده ۱۵ کنوانسیون حقوق دریاها، در باب تحدید حدود دریای سرزمینی به کیفیات مؤثر اشاره کرده که مستقیماً از ماده ۱۲ کنوانسیون ۱۹۵۸ میلادی ژنو در مورد دریای سرزمینی و منطقه مجاور نشأت گرفته است. کیفیات مؤثر می‌توانند وسیله‌ای برای جلوگیری از غیرمنصفانه تحدید حدود محسوب شوند (Lando,2019,167). باید توجه داشت که هیچ فهرست ثابتی برای مشخص کردن کیفیات مؤثر وجود ندارد، اما به‌طور کلی کیفیات مؤثر را به دودسته جغرافیایی و غیرجغرافیایی^{۲۱} تقسیم می‌نمایند. دیوان بین‌المللی دادگستری بیان می‌کند که وضعیت جغرافیای طرف‌ها می‌تواند از کیفیات مؤثر حاکم بر اصول انصاف محسوب گردد (آرائی درونکلا و همکاران، ۱۳۹۸، ۴۲۱).

۳- اصل عدم قطع در تحدید حدود منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره

برای تحدید حدود منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره در حقوق دریاها مراجع قضایی و داوری بین‌المللی برای رسیدن به یک نتیجه منصفانه به اصل انصاف رجوع می‌نمایند. اصل عدم قطع^{۲۲} یکی از مهم‌ترین اصل انصاف در تحدید حدود منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره محسوب می‌شود. اکثر اختلافات بر سر تحدید حدود منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره، به‌شدت تحت تأثیر این اصل قرار گرفته‌اند که در نهایت اصل عدم قطع باعث اصلاح یا تغییر خطوط تحدید حدود شده است.

۳-۱- مفهوم اصل عدم قطع

در صورتی که منطقه انحصاری اقتصادی و یا فلات قاره دو کشور ساحلی با یکدیگر تداخل داشته باشند، گسترش دریاسوی سواحل^{۲۳} یکی از آن‌ها به علت ترسیم خط هم فاصله دچار اثر قطع^{۲۴} خواهد شد. در نتیجه، اصل عدم قطع وارد عمل می‌شود و این اثر قطع در گسترش دریاسوی سواحل کشور ساحلی را تا جای ممکن که تحدید حدود منجر به یک نتیجه منصفانه برای طرف‌ها گردد، کاهش می‌دهد. اصطلاح گسترش دریاسوی سواحل عبارتی بسیار رایج در آرای قضایی و ادبیات حقوقی است و

20- Relevant Circumstances

۲۱- کیفیات مؤثر جغرافیایی معمولاً شامل خط مبدأ، جزایر، حضور کشورهای ثالث، عوامل مربوط به زمین‌شناسی و ساختارشناسی زمین است. کیفیات مؤثر غیرجغرافیایی می‌تواند شامل عوامل اقتصادی، رفتار طرف‌ها، حقوق تاریخی و همچنین منافع امنیتی باشند.

22- Principle of Non-Cut Off

23- Projection

24- Cut-Off Effect

این گونه تعریف می‌گردد: از آنجایی که مناطق دریایی در حقوق دریاها با معیار فاصله مشخص می‌گردند، هر کشور ساحلی از امتداد سواحل خود تا فاصله دویست مایل دریایی از حق فلات قاره و منطقه انحصاری اقتصادی برخوردار است و در مقام تشبیه این حق کشور ساحلی، از سواحل آن تا فاصله دویست مایلی به تعبیری گسترده^{۲۵} می‌شود. اصل عدم قطع ایجاب می‌نماید که در تحدید حدود، گسترش دریاسوی سواحل هر کشور ساحلی در نظر گرفته شود (Acikgonul&Lucas,2019,180).

۲-۳- پیشینه اصل عدم قطع

اصل عدم قطع برای اولین بار توسط دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه فلات قاره دریای شمال مطرح شد. در این قضیه طرف‌ها از دیوان بین‌المللی دادگستری خواستند تا اصول و قواعد قابل اعمال حقوق بین‌الملل برای تحدید حدود فلات قاره دریای شمال را مشخص کند، دیوان بین‌المللی دادگستری بیان کرد که فلات قاره هیچ کشور ساحلی نباید به امتداد طبیعی قلمرو خشکی یک کشور ساحلی دیگر تجاوز کند و خط تحدید حدود باید به طرف‌ها اجازه دهد که از بستر و زیربستر فلات قاره در امتداد طبیعی قلمرو خشکی خودشان برخوردار باشند. اصل عدم قطع در ابتدا تحت عنوان اصل عدم تجاوز^{۲۶} شناخته می‌شد، ولی با پیدایش معیار فاصله^{۲۷} در تحدید حدود مناطق دریایی جای خود را به اصل عدم قطع و مفهوم امتداد طبیعی^{۲۸} جای خود را به گسترش دریاسوی سواحل داد (Acikgonul,2016,53).

25- Project

26- Principle Of Non-Encroachment

۲۷- در جریان سومین اجلاس سازمان ملل متحد در مورد حقوق دریاها، با ظهور مفهوم جدید منطقه انحصاری اقتصادی، حقوق حاکمه کشورهای ساحلی برای کاوش و بهره‌برداری از بستر و زیربستر دریا، به سطح و ستون آب نیز گسترش پیدا کرد. از آن جایی که در کنوانسیون حقوق دریاها مبنای قانونی حقوق حاکمه کشور ساحلی در منطقه انحصاری اقتصادی معیار فاصله، یعنی عرض دویست مایل دریایی موضوع ماده ۵۷ کنوانسیون در نظر گرفته شد. مفهوم امتداد طبیعی قلمرو خشکی کم‌رنگ گردید و در همین راستا اصل عدم تجاوز به امتداد طبیعی یک کشور، جای خود را به اصل عدم قطع کشورهای دیگر در گسترش دریای سوی سواحل یک کشور داد (Acikgonul,2016,53).

28- Natural Prolongation

مفهوم امتداد طبیعی به وضوح در تعریف فلات قاره در بند اول ماده ۷۶ کنوانسیون حقوق دریاها بازتاب یافته است. در این بند مقرر شده: فلات قاره یک دولت ساحلی متشکل از بستر و زیربستر مناطق زیر آب در ماورای دریای سرزمینی آن دولت است که در سراسر امتداد طبیعی قلمرو سرزمینی دولت مزبور تا لبه بیرونی حاشیه قاره‌ای، یا تا فاصله دویست مایل دریایی از خط مبدأ اندازه‌گیری عرض دریای سرزمینی، هر گاه که حد بیرونی حاشیه قاره‌ای تا این فاصله امتداد نیابد، گسترده می‌شود (UNCLOS,1982,art76). بنابراین فلات قاره هر کشوری امتداد طبیعی قلمرو خشکی آن است و هیچ کشوری نمی‌تواند به امتداد طبیعی قلمروی خشکی آن، تجاوز نماید. در نتیجه، مراجع قضایی و داوری بین‌المللی تجاوز به امتداد طبیعی قلمرو خشکی یکی از طرف‌ها را نمی‌پذیرند.

۳-۳- اثر قطع خط تعیین حدود بر گسترش دریاسوی سواحل کشورهای ساحلی

بنا بر آنچه گذشت، اثر قطع به طور فزاینده به یک کیفیت مؤثر، به ویژه در تعیین حدود منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره تبدیل شده است. ترسیم خط هم فاصله^{۲۹} در صورت وجود یک عارضه جغرافیایی مانند تفرع سواحل^{۳۰}، وجود جزایر^{۳۱} و... اثر انحرافی بر گسترش دریاسوی سواحل کشور ساحلی ایجاد می نماید و در نتیجه منجر به یک نتیجه غیر منصفانه می شود (Acikgonul, 2017, 191). در نتیجه، اصلاح و تعدیل خط هم فاصله و یا تغییر روش تعیین حدود برای رسیدن به یک نتیجه منصفانه برای مراجع قضایی و داوری بین المللی ضروری است (Lando, 2019, 168). برای مثال، در قضیه خلیج بنگال^{۳۲} دیوان داوری به علت شکل مقعر سواحل بنگلادش و اثر قطع خط هم فاصله بر گسترش دریاسوی سواحل بنگلادش، خط هم فاصله را تعدیل کرد.^{۳۳}

۴- اصل عدم قطع در رویه قضایی

مراجع قضایی و داوری بین المللی برای رسیدن به یک نتیجه منصفانه به اعمال اصل عدم قطع اهمیت

29- Equidistant Line

یکی از روش های تعیین حدود مناطق دریایی، روش خط هم فاصله است. برای خط هم فاصله یک تعریف معیار وجود دارد که در ماده ۱۲ کنوانسیون ۱۹۵۸ میلادی در خصوص دریای سرزمینی و منطقه نظارت و ماده ۶ کنوانسیون ۱۹۵۸ میلادی راجع به فلات قاره و همچنین در ماده ۱۵ کنوانسیون حقوق دریاها مقرر گردیده است. خط هم فاصله با اتصال نقاطی ترسیم خواهد شد که حداقل با یک نقطه از خط مبدأ و دو نقطه از خط مبدأ دیگر به یک فاصله باشند، که به این نقاط در اصطلاح نقطه مبنا گفته می شود (صیرفی، ۱۳۹۷، ۴۸۵).

30- Concave Coasts

تفرع سواحل نقش مهمی در تعیین حدود مناطق دریایی دارد. در واقع می توان بیان کرد که اصل عدم قطع عمدتاً در مواردی مطرح می گردد که شکل ساحل یکی از طرف های تعیین حدود شکل مقعر داشته باشد. مراجع قضایی و داوری بین المللی به دفعات اعمال روش خط هم فاصله در مورد خطوط ساحلی مقعر را که می تواند اثرات انحرافی بر خط مرزی به جا گذارد، نفی نموده اند (Acikgonul, 2017, 187). تفرع سواحل نخستین بار در قضیه فلات قاره دریای شمال توسط دیوان بین المللی دادگستری به عنوان کیفیت مؤثر در نظر گرفته شد (طلایی و همکاران، ۱۳۹۵، ۱۰۹).

۳۱- جزایر نقش اساسی را در تعیین حدود مناطق دریایی میان کشورهای ساحلی دارند. در صورت تداخل مناطق دریایی، وجود جزیره در آن مناطق باعث می گردد که در تعیین حدود میان دو طرف در نظر گرفته شوند و منجر به افزایش سهم کشور صاحب جزیره از منطقه مورد تعیین حدود گردد. بنابراین وجود جزیره برای هر طرف، امتیازی کلیدی محسوب می شود (صیرفی، ۱۴۰۲، ۱۸). همچنین باید در نظر گرفت که در مورد اثر جزایر بر تعیین حدود قاعده مشخصی وجود ندارد و تابع توافق طرف ها است (صیرفی، ۱۴۰۲، ۳۷).

۳۲- بنگلادش/هند.

۳۳- ن. ک: شکل اول.

ویژه‌ای داده‌اند (Acikgonul&Lucas,2019,180). در نتیجه، نقش اصل عدم قطع در تحدید حدود مناطق دریایی را می‌توان به بهترین شکل ممکن در رویه قضایی مشاهده کرد. رویه قضایی رهنمودهایی را در باب اعمال اصل عدم قطع به صورت عینی و شفاف تدوین کرده و همین امر منجر به آشکارتر شدن اهمیت اصل عدم قطع در دهه اخیر شده است. در ادامه به بیان نقش اصل عدم قطع در اصلاح و تعدیل خط هم فاصله و همچنین تغییر روش تحدید حدود خواهیم پرداخت.

۱-۴- نقش اصل عدم قطع در اصلاح و تعدیل خط هم فاصله

در برخی موارد اصل عدم قطع به علت تقعر، وجود جزایر و سایر عارضه‌های جغرافیایی باعث تعدیل خط هم فاصله شده است. در قضیه فلات قاره انگلیس و فرانسه ۱۹۷۷ میلادی، دادگاه داوری می‌بایست در مورد اثر جزایر مانس^{۳۴} در تحدید حدود فلات قاره اظهار نظر می‌کرد. دادگاه بیان کرد: در صورتی که به جزایر مانس اثر کامل در تحدید حدود فلات قاره داده شود، در گسترش دریاسوی سواحل آن اثر قطع ایجاد می‌کند و آشکارا باعث کاهش سهم فرانسه از فلات قاره می‌شود. همچنین ادامه داد که اگر به این جزایر اجازه داده شود که بر خط هم فاصله تأثیر بگذارند، باعث تحریف شدید خط تحدید حدود می‌شوند. در نتیجه، دادگاه داوری تصمیم گرفت که جزایر مانس را با وجود جمعیت قابل توجه و موقعیت سیاسی و اقتصادی آن، در ترسیم خط هم فاصله نادیده بگیرد و فقط یک دریای سرزمینی دوازده مایلی برای این جزایر ترسیم نماید.^{۳۵}

در قضیه فلات قاره تونس/لیبی در سال ۱۹۸۲ میلادی، دیوان بین‌المللی دادگستری تغییر جهت کلی خط ساحلی تونس را به عنوان بارزترین و مهم‌ترین ویژگی جغرافیایی، برای تعدیل خط هم فاصله به رسمیت شناخت. دیوان بین‌المللی دادگستری همچنین حضور جزایر جربه و قرقرنه^{۳۶} را به عنوان کیفیت مؤثر در نظر گرفت. به همین دلیل دیوان بین‌المللی دادگستری به جزیره قرقرنه اثر نصف^{۳۷} داد و جزیره جربه را در ترسیم خط تحدید حدود نادیده گرفت.^{۳۸} در قضیه اریتره و یمن در سال ۱۹۹۹ میلادی،

۳۴- جزایر متعلق به انگلستان که در نزدیکی سواحل سرزمین اصلی فرانسه واقع شده است.

35- Award, 1978, Delimitation of the Continental Shelf between the United Kingdom of Great Britain and Northern Ireland, and the French Republic (UK v. France), paras.56,249,243,250,196,199.

36- Jerba and Kerkennah Islands

۳۷- پنجاه درصد.

38- ICJ Reports, 1982, Continental Shelf (Tunisia v. Libyan Arab Jamahiriya),

دادگاه داوری می‌بایست در مورد اثر جزایر غیرمسکونی جبل الطیر و زیبر^{۳۹} تصمیم‌گیری می‌نمود. دادگاه داوری به اثر غیرمتناسب این جزایر تأکید کرد و بدین ترتیب دادگاه داوری هیچ اثری، جز یک دریای سرزمینی دوازده مایلی به این جزایر نداد.^{۴۰}

در قضیه دریای سیاه در سال ۲۰۰۹ میلادی، دیوان بین‌المللی دادگستری توجه ویژه‌ای به نقش جزیره سرپنتز^{۴۱} در تعیین خط هم فاصله موقت کرد. دیوان بین‌المللی دادگستری دریافت که، اگر جزیره سرپنتز را به‌عنوان نقطه مبنا در نظر بگیرد، اثر انحرافی بر جای می‌گذارد.^{۴۲} در نتیجه، دیوان بین‌المللی دادگستری اعلام کرد آن را نادیده می‌گیرد.^{۴۳} در قضیه نیکاراگوئه علیه کلمبیا در سال ۲۰۱۲ میلادی، دیوان بین‌المللی دادگستری برای جلوگیری از اثر قطع خط هم فاصله که سه چهارم گسترش دریاسوی سواحل نیکاراگوئه درگیر می‌کرد، خط هم فاصله موقت را تعدیل نمود.^{۴۴}

در قضیه بنگلادش/میانمار در سال ۲۰۱۲ میلادی، دیوان بین‌المللی حقوق دریاهای^{۴۵} اعمال روش خط نیمساز^{۴۶} را رد کرد و روش کیفیات مؤثر و خط هم فاصله را به کار برد. در این قضیه بنگلادش به تعذر سواحل خود و وجود جزیره سن مارتن^{۴۷} به‌عنوان کیفیات مؤثر برای اصلاح خط هم فاصله موقت استناد نمود. میانمار این ادعاها را رد نمود و مدعی شد که کیفیات مؤثری برای تعدیل خط هم فاصله موقت،

paras.78,79,122,124,128, 129,133.p.133,p.79,p.128.

39- Al-Tayr and Zubayr Islands

40- Reports of International Arbitral Awards, 1999, Sovereignty and Maritime Delimitation in the Red Sea (Eritrea/Yemen), paras.117,119.

41- Serpents' Island

۴۲- زیرا جزیره سرپنتز در فاصله بیست مایلی از سرزمین اصلی اوکراین قرار دارد و جزیره دورکرانه محسوب می‌گردد.

43- ICJ Reports, 2009, Maritime Delimitation in the Black Sea (Romania v. Ukraine), para.149.

44- ICJ Reports, 2012, Territorial and Maritime Dispute (Nicaragua v. Colombia), paras.196,215,229,232,237.

45- International Tribunal for the Law of the Sea (ITLOS)

46- Bisector Line

روش خط نیمساز شامل دو مرحله است: مرحله اول، رسم یک خط مستقیم که جهت کلی سواحل را مشخص می‌نماید، مرحله دوم رسم یک خط مرزی است که زاویه بین آن دو خطوط را نصف می‌کند. اعمال روش خط نیمساز در شرایطی مناسب است که اعمال روش خط هم فاصله به دلیل عدم وجود نقاط مبنای پایدار ممکن نیست. این روش در سواحلی اعمال می‌گردد که بسیار محذب هستند و نقاط مبنا بسیار نزدیک هم قرار گرفته‌اند. نمونه اعمال روش خط نیمساز در قضیه نیکاراگوئه علیه هندوراس است. دیوان بین‌المللی دادگستری، به دلیل عدم امکان شناسایی نقاط مبنا در کنار خطوط ساحلی مجاور، روش خط نیمساز را به عنوان یک روش جایگزین قابل اجرا پذیرفت (Fietta&Cleverly,2016,102).

47- St. Martin's Island

وجود ندارد. پس از بررسی‌ها لازم دیوان بین‌المللی حقوق دریا به این نتیجه رسید که تقعر سواحل بنگلادش باعث شده که خط هم فاصله موقت یک اثر قطع آشکار در گسترش دریاسوی سواحل جنوب بنگلادش ایجاد کند. به همین دلیل دیوان برای رسیدن به نتیجه منصفانه خط هم فاصله موقت را به نفع بنگلادش تعدیل کرد. دیوان همچنین جزیره سن مارتن را به‌عنوان نقطه مبنا^{۴۸} برای ترسیم خط هم فاصله موقت در نظر نگرفت، زیرا معتقد بود که جزیره سن مارتن در مقابل سرزمین اصلی و در طرف میانمار واقع شده و جزیره دور کرانه محسوب می‌گردد. در نتیجه، اگر جزیره سن مارتن به‌عنوان نقطه مبنا انتخاب شود، مانع گسترش دریاسوی سواحل میانمار می‌گردد.^{۴۹} در قضیه خلیج بنگال در سال ۲۰۱۴ میلادی، میان بنگلادش و هندوستان نیز دیوان داوری با تأکید بر تقعر سواحل بنگلادش و اعمال اصل عدم قطع، خط هم فاصله موقت را برای دستیابی به یک نتیجه منصفانه تعدیل کرد.^{۵۰}

در قضیه سومالی علیه کنیا در سال ۲۰۲۱ میلادی، دیوان بین‌المللی دادگستری با بررسی سواحل کنیا و سومالی مشاهده کرد که سواحل کنیا نسبت به سومالی در برخی نقاط دارای تقعر بیشتری است. در نتیجه، گسترش دریاسوی سواحل کنیا در عرض دویست مایل دریایی دچار اثر قطع می‌شود. به همین دلیل کنیا تعدیل خط هم فاصله موقت را از دیوان درخواست کرد. دیوان خاطر نشان کرد که خط هم فاصله موقت گسترش دریاسوی سواحل کنیا را به میزان قابل توجهی محدود نموده که این امر ناشی از تقعر سواحل کنیا است. در نتیجه، دیوان برای دستیابی به یک نتیجه منصفانه، خط تحدید حدود را به سمت شمال تعدیل کرد.^{۵۱}

۲-۴- نقش اصل عدم قطع در تغییر روش خط هم فاصله

اولین رأیی که در آن اصل عدم قطع اعمال شد، قضیه فلات قاره دریای شمال در سال ۱۹۶۹ میلادی در دیوان بین‌المللی دادگستری بود. دیوان بین‌المللی دادگستری بیان کرد: خط ساحلی آلمان تقریباً مقعر است، در حالی که سایر طرف‌ها^{۵۲} دارای خطوط ساحلی محدب هستند. در نتیجه، قابل پذیرش نیست که

48- BasePoint

49- ITLOS Reports, 2012, Delimitation of the maritime boundary in the Bay of Bengal (Bangladesh v. Myanmar), paras.276,278,297,323,324,325,329.

50- P.C.A Case, 2014, Bay of Bengal Maritime Boundary Arbitration (Bangladesh v. India), paras. 413,416,418,418,421.

51- ICJ Reports, 2021, Maritime Delimitation in the Indian Ocean (Somalia v. Kenya), paras.161,165,169,170, 171,174.

۵۲- هلند و دانمارک.

یک کشور ساحلی صرفاً به دلیل خطوط ساحلی مقعر، نسبت به کشورهای مجاور خود سهم کمتری از فلات قاره ببرد. به همین دلیل، این عارضه جغرافیایی باید اصلاح یا جبران شود، زیرا به خودی خود غیرمنصفانه است. به علاوه، بیان کرد که سواحل مقعر آلمان خط هم فاصله را به سمت داخل^{۵۳} می کشد و مانع دسترسی آلمان به فلات قاره می شود، در نتیجه اعمال روش خط هم فاصله در این زمینه نامعقول و غیرمنصفانه است.^{۵۴}

پس می توان بیان کرد که اعمال روش خط هم فاصله در خط ساحلی مقعر، آلمان را محصور می کند و مناطق دریایی آن را به طور جدی محدود می نماید. به همین علت به گسترش دریاسوی سواحل آن تجاوز می کند و مانع دسترسی آن را به مرکز دریای شمال که در امتداد طبیعی سواحل آن قرار دارد، می شود. در نتیجه، خط تحدید حدود نهایی مورد توافق طرف ها، در راستای تصمیم دیوان بین المللی دادگستری، فلات قاره آلمان را فراتر از منطقه محصور شده گسترش داد و دیوان برای کاهش اثر قطع خط هم فاصله بر گسترش دریاسوی سواحل آلمان به تغییر روش^{۵۵} روی آورد (Acikgonul, 2016, 56).

در سال ۱۹۸۵ میلادی دادگاه داوری در قضیه گینه/گینه بیسائو پس از بررسی خطوط ساحلی، روش خط هم فاصله پیشنهادی گینه بیسائو را رد کرد. به این دلیل که اعمال خط هم فاصله مانع گسترش دریاسوی سواحل گینه به دلیل وضعیت جغرافیای ساحلی آن می شد. در نتیجه، دادگاه داوری برای کاهش اثر قطع خط هم فاصله از روش خط عمود^{۵۶}، برای تحدید حدود استفاده کرد. در این رای دادگاه داوری بیان کرد: زمانی که سه کشور مجاور در کنار یک خط ساحلی مقعر قرار می گیرند، روش خط هم

۵۳- در جهت تقعر.

54- ICJ Reports, 1969, North Sea Continental Shelf (Federal Republic of Germany v Netherlands) (Federal Republic of Germany v Denmark), paras.8,89,91.

55- Radial Lines

روش خطوط شعاعی. در این روش ابتدا جهت کلی خطوط ساحلی مقعر و محدب به صورت دایره ساده سازی می گردد.. به این معنی که در این روش به جای استفاده از خطوط مستقیم برای ساده سازی سواحل، از شیوه دیگری استفاده می شود و آن رسم دایره ای روی خطوط ساحلی کشورها است. پس از رسم دایره فرضی، نقطه مرکزی آن تعیین می گردد. سپس با استفاده از خطوط مستقیم آخرین نقاط مرز زمینی کشورهای ساحلی را به مرکز دایره ای فرضی وصل می کنند. در نهایت با اتصال آخرین نقاط مرز زمینی به مرکز دایره فرضی، یک مثلث تشکیل می شود (Antunes, 2002, 168).

56- Perpendicular Line

فاصله منجر به محصور شدن کشور میانی توسط دو کشور مجاور می‌شود و در نتیجه از گسترش دریاسوی سواحل کشور ساحلی میانی تا آنجا که حقوق بین‌الملل مجاز شمرده، جلوگیری می‌کند.^{۵۷}

یکی دیگر از قضایایی که در آن اعمال اصل عدم قطع باعث تغییر روش خط هم فاصله شد، قضیه سن پیر و میکلون کانادا/فرانسه در سال ۱۹۹۲ میلادی، بر سر تحدید حدود مرز دریایی بین سواحل کانادا نیوفاندلند و نوا اسکوشیا^{۵۸} و جزایر سن پیر و میکلون^{۵۹} فرانسه نزدیک به سواحل کانادا توسط دادگاه داوری بود. در این قضیه، فرانسه مدعی بود که، برای تحدید حدود باید از روش خط هم فاصله استفاده نمود و در مقابل کانادا به اصل عدم تجاوز و اصل تناسب^{۶۰} استناد می‌نمود و بیان می‌کرد که باید جزایر سن پیر و میکلون در یک محدود دوازده مایلی محصور شوند. در این قضیه، دادگاه داوری با تأکید بر لزوم جلوگیری از قطع گسترش دریاسوی سواحل طرف‌ها، از روش خلاقانه‌ای استفاده کرد. دادگاه داوری در بخش شرقی جزایر سن پیر و میکلون یک منطقه محصور دوازده مایلی ایجاد نمود و در بخش غربی برای جلوگیری از قطع گسترش دریاسوی سواحل غربی میکلون فرانسه به دلیل تحذب ساحل جنوبی کانادا یک منطقه محصور بیست و چهار مایلی تعیین کرد. در قسمت جنوبی هم یک دالان باریک به عرض ده و نیم مایل دریایی مشخص کرد. این دالان به طول دویست مایل دریایی به طور مستقیم از جزایر به سمت جنوب در نظر گرفته شد. در این قضیه، برای جلوگیری از قطع گسترش دریاسوی سواحل طرف‌ها، از روش دالانی^{۶۱} استفاده شد.^{۶۲}

57- International Law Reports, 1985, Delimitation of the Maritime Boundary between (Guinea and Guinea-Bissau), paras.104,105,107.

58- Newfoundland and Nova Scotia

59- St. Pierre and Miquelon Islands

60- Principle Of Proportionality

مفهوم تناسب از انصاف و همچنین از اصل زمین بر دریا چیره است، نشأت گرفته و اصل تناسب به عنوان ابزاری برای اطمینان از منصفانه بودن تحدید حدود عمل می‌نماید. این مفهوم به معنای اثرگذار بودن کیفیات مؤثر در تحدید حدود مناطق دریایی متعلق به هریک از طرف‌ها است. مفهوم تناسب توسط جمهوری فدرال آلمان در قضیه فلات قاره دریای شمال مطرح گردید. دیوان بین‌المللی دادگستری در این قضیه مفهوم تناسب را به عنوان عامل نهایی میان طرف‌های ذینفع پذیرفت (صابرئزادعلویان و نجفی اسفاد، ۱۳۹۸، ۱۶۳).

61- Parallel lines (Corridor)

در این روش به وسیله دو خط مستقیم موازی یک باریکه از مناطق دریایی، به منظور جلوگیری از اثر قطع روش خط هم فاصله که توسط یکی از کشورهای ساحلی به وجود آمده، مشخص می‌شود.

نتیجه

در صورتی که مناطق دریایی دو کشور ساحلی مقابل و یا مجاور با یکدیگر تداخل پیدا نمایند، تحدید حدود این مناطق برای کشورهای ساحلی اهمیت زیادی خواهند داشت. ماده‌های ۷۴ و ۸۳ کنوانسیون حقوق دریایا به تحدید حدود منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره اختصاص دارند. کنوانسیون برای تحدید حدود فلات قاره و منطقه انحصاری اقتصادی مقررات یکسانی پیش‌بینی نموده است. در ماده‌های ۷۴ و ۸۳ کنوانسیون مقرر گردیده که تحدید حدود با توافق میان طرف‌ها، برای رسیدن به یک راه‌حل منصفانه صورت می‌گیرد. در نتیجه، هدف از تحدید حدود این مناطق در کنوانسیون راه‌حل منصفانه است که برای رسیدن به این منظور باید اصل انصاف قابل‌اعمال در تحدید حدود منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره را شناخت. مقرره‌ای در مورد اصل انصاف در کنوانسیون حقوق دریایا، جز اشاره به آن در ماده‌های ۷۴ و ۸۳ وجود ندارد. به همین علت برای فهم دقیق اصل انصاف باید به رویه قضایی رجوع نمود. برای اصل انصاف تعریف مشخصی وجود ندارد، فقط می‌توان بیان کرد که این اصل انصاف هست که باعث انتخاب روشی برای تحدید حدود می‌شود که منجر به یک نتیجه منصفانه خواهد شد.

یکی از مهم‌ترین اصل انصاف، اصل عدم قطع است. این اصل حکم می‌کند که تحدید حدود باید مرتبط با گسترش دریاسوی سواحل طرف‌ها باشد و از هر گونه اثر قطع، بر گسترش دریاسوی سواحل کشورها تا آن جایی که حقوق بین‌الملل مجاز شمرده، جلوگیری شود. این اصل در رویه قضایی به کرات مورد استفاده قرار گرفته و دارای سابقه طولانی است و بر دیگر اصول انصاف مقدم است. اعمال اصل عدم قطع مورد به مورد متفاوت است و در مواردی باعث تغییر روش خط هم فاصله و یا منجر به اصلاح و تعدیل آن می‌گردد. با قطعیت می‌توان بیان داشت که اصل عدم قطع امروزه به‌عنوان اصلی بنیادین و مهم در تحدید حدود مناطق دریایی شناخته می‌شود. با استناد به اصل عدم قطع، ایران می‌تواند در مناطق دریایی که مرزهای آن تحدید حدود نشده است، حقوق خود را احقاق نماید.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

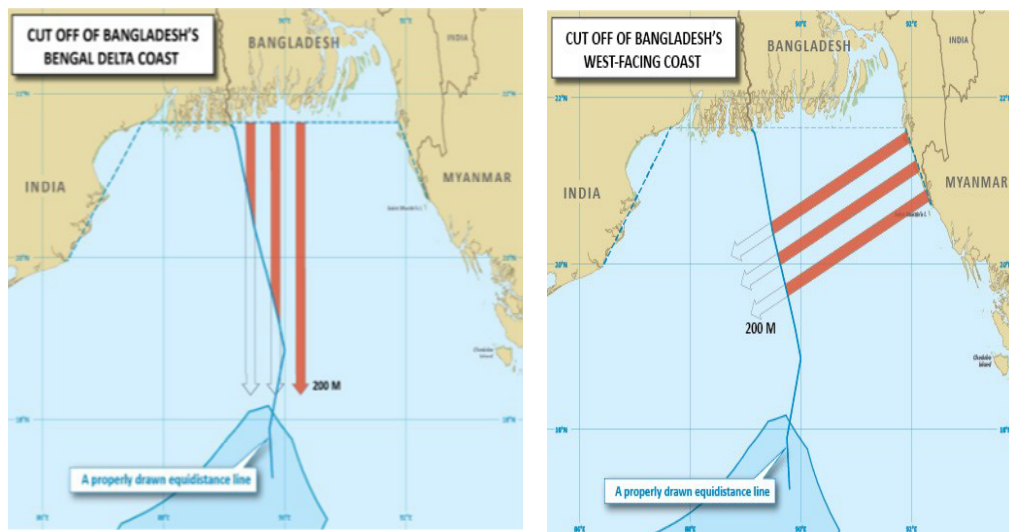
فارسی

- آرائی درونکلا، میثم؛ صیرفی، ساسان؛ کوچ نژاد، عباس، ۱۳۹۸، تحدید حدود بستر و زیربستر دریای خزر با اتکاء به اصل انصاف، **فصلنامه مطالعات حقوق عمومی**، شماره ۲.
- رسولپورنالدکیشری، سمیه؛ جعفری، افشین؛ شاحیدر، عبدالکریم، ۱۳۹۹، تحدید حدود مناطق دریایی در پرتو قواعد عرفی، **فصلنامه پژوهش‌های حقوقی میان‌رشته‌ای**، شماره ۴.
- رسولپورنالدکیشری، سمیه و جعفری، افشین، ۱۴۰۱، مفهوم‌سازی تحدید حدود مناطق دریایی از منظر حقوقی و فنی، **مجله پژوهش‌های حقوقی**، شماره ۵۲.
- صابر نژاد علویان، علی و نجفی اسفاد، مرتضی، ۱۳۹۸، اصل تناسب در تحدید حدود مناطق دریایی از منظر رویه قضایی بین‌المللی، **فصلنامه مطالعات حقوق عمومی**، شماره ۱.
- صیرفی، ساسان، ۱۳۹۴، تعیین حد خارجی فلات قاره بررسی ماده ۷۶ کنوانسیون حقوق دریاها، **فصلنامه مطالعات حقوق عمومی**، شماره ۱.
- صیرفی، ساسان، ۱۳۹۷، کاربرد خطوط مبدأ مستقیم در تحدید حدود دریایی با نگاه ویژه به تحدید حدود دریایی بین ایران و کویت، **فصلنامه مطالعات حقوق عمومی**، شماره ۳.
- صیرفی، ساسان، ۱۴۰۲، بازخوانی بند ۳ ماده ۱۲۱ کنوانسیون حقوق دریاها در پرتو رأی دیوان داوری دریای چین جنوبی با نگاه ویژه به مرزهای دریایی تحدید نشده ایران در خلیج فارس، **مجله حقوقی بین‌المللی**، شماره ۷۰.
- طلائی، فرهاد؛ نجفی، محمدرضا؛ نصیری، احسان؛ داداش‌زاده، جواد، ۱۳۹۸، آموزه‌ای بر شیوه‌های حل و فصل اختلافات مربوط به تعیین مرزهای دریایی توسط دیوان‌های داوری بین‌المللی، **فصلنامه آموزش علوم دریایی**، شماره ۴.

لاتین

- Acikgonul, Yunus Emre, 2016, Reflections on the Principle of Non- Cut Off: A Growing

- Concept in Maritime Boundary Delimitation Law, Ocean Development & International Law, Vol.47.
- Acikgonul, Yunus Emre, 2017, Equitable Delimitation of Maritime Boundaries: The Uncontested Supremacy of Coastal Geography in Case Law, Ocean Yearbook, Vol.31.
 - Acikgonul, Yunus Emre and Lucas, Edward R, 2019, Developments in Maritime Delimitation Law over the Last Decade: Emerging Principles in Modern Case Law, Canadian Yearbook of International Law, Vol.57.
 - Ad hoc Arbitration, 1992, Delimitation of the Maritime Areas Between France and Canada.
 - Antunes, Nuno Sergio Marques, 2002, Towards the Conceptualisation of maritime delimitation: legal and technical aspects of a political process, Phd Thesis, Durham University.
 - Award, 1978, Delimitation of the Continental Shelf between the United Kingdom of Great Britain and Northern Ireland, and the French Republic (UK v. France).
 - Cai, Ying, 2006, International law principles of continental shelf delimitation and Sino-Japanese East China Sea disputes, Master Thesis, World Maritime University.
 - Fietta, Stephen and Cleverly, Robin, 2016, A Practitioner's Guide to Maritime Boundary Delimitation, Oxford University Press.
 - Handbook on the Delimitation of Maritime Boundaries, 2000, Division for Ocean Affairs and the Law of the Sea, Office of Legal Affairs United Nations.
 - ICJ Reports, 1969, North Sea Continental Shelf (Federal Republic of Germany v Netherlands) (Federal Republic of Germany v Denmark).
 - ICJ Reports, 1982, Continental Shelf (Tunisia v. Libyan Arab Jamahiriya).
 - ICJ Reports, 2009, Maritime Delimitation in the Black Sea (Romania v. Ukraine).
 - ICJ Reports, 2012, Territorial and Maritime Dispute (Nicaragua v. Colombia).
 - ICJ Reports, 2021, Maritime Delimitation in the Indian Ocean (Somalia v. Kenya).
 - International Law Reports, 1985, Delimitation of the Maritime Boundary between Guinea and Guinea-Bissau, Vol. 77.
 - ITLOS Reports, 2012, Delimitation of the maritime boundary in the Bay of Bengal (Bangladesh v. Myanmar).
 - Lagoni, Rainer and Daneil, Vignes, 2006, Maritime Delimitation, Martinus Nijhoff Publishers.
 - Lando, Massimo, 2019, Maritime Delimitation as A Judicial Process, Cambridge University Press.
 - Oude Elferink, Alex G., Henriksen, Tore and Veierud Busch, Signe, 2018, Maritime Boundary Delimitation: The Case Law Is It Consistent and Predictable?, Cambridge University Press.
 - P.C.A Case, 2014, Bay of Bengal Maritime Boundary Arbitration (Bangladesh v. India).
 - Reports of International Arbitral Awards, 1999, Sovereignty and Maritime Delimitation in the Red Sea (Eritrea/Yemen).
 - Sumer, Murat, 2023, Equitable Considerations in the Delimitation of the Continental Shelf, International Law Studies, Vol. 100.
 - Tanaka, Yoshifumi, 2019, Predictability and Flexibility in the Law of Maritime Delimitation, Hart Publishing.
 - United Nations Convention on the Law of the Sea (opened for signature 10 December 1982, entered into force 16 November 1994).



شکل اول - اثر قطع خط هم فاصله در قضیه خلیج بنگال (بنگلادش/هند)

Legal Civilization

ISSN: 2873-1841
ISSN: 2873-1922

No.22- Winter 2025

Analysis of Fundamental Principles Governing Demand Guarantees in International Trade Law with a Look at New Trade Bill

Homayoun Mafi, Mehdi Fallah Khariki

Dual Nationality in Iran and England

Reza Hossein Gandomkar, Hesamodin Torkaman, Shahrooz Darbandi

The Conditions for the Payment of Alimony and the Legal and Criminal Guarantees for Non-Payment of Alimony in France and Turkey

Arash Kamranlou, Sobhan Tayebi

Government Civil Liability due to the Delay of Proceedings

Abolfath Khaleghi, Fatemeh Khodabandeh

Legal Analysis of the Cooling Off Period Clause in Foreign Investment Treaties

Mojtaba Asgharian, Mohadeseh Ahmadabadi, Mohammadreza Afshari

The Role of the Judiciary in Linking Judicial Security and Economic Security

Mahmoud Habibi Tabar, Amir Esmaeili

The Principle of Non-Cut Off; The Fundamental Principle in the Delimitation of Maritime Zones

Mohsen Behjati

An Essay on Contemporary Utilitarianism Justifications of Punishment; from General Deterrence to General Prevention

Mohammad Mehdi Sadeghi

Enforcement of the Deceased's Obligations in Iranian and French Law

Younes Bagheri

Women's Free Will Regarding Marriage and Divorce in Ancient Iranian Law

Mohamad Mahdi Davar, Saeideh Taslimi

A Critical Examination of the Additional Jurisdiction of Special Criminal Courts in the Face of Criminal Cooperation

Sayyed Mohammad Khezry

Unfair Terms in Consumer Contracts Regulations 1999 in England

Amir Mohammad Mahrokh

An Analysis of the Position of the Permission of the Leadership Regarding the Development of the Jurisdiction of the

Judicial Organization of the Armed Forces in Iran's Legal System

Mohammad Khorshidi Athar

Causes of the Emergence of Pragmatism in the Criminal Policy of Economic Crimes

Rostam Aliakbari, Arezo Cheraghi, Arsalan Moradi

The Right of the Child to Leave the Country by the Mother is a Challenge in Iran's Judicial Procedure (with Emphasis on the Decree Issued by the 11th Branch of the Court of Appeal of Mazandaran Province)

Mohammad Saeid Hosseini, Shayesteh Salehi, Nahid Ghasemi, Mohsen Mahdizadeh

Civil Liability of Pilgrimage Tours against Damages Caused to Pilgrims

Alireza Shamshiri, Parisa Rezvan

Crimes Committed Against Cultural Heritage in Iranian and United States Law

Vahid Kiomarsi, Masoud Mostafapoor

Jurisprudential Analysis of the Responsibility of Fire Officers in the Legal System of Iran and England

Majid Kiani Rad

Challenging Paths to the Future of Artificial Intelligence Law

Behrokh Ganji, Mohammad Gharibshah

Effects of Option Sale in Iranian and French Law

Ardeshir Amjadi Golpaygani

Measures to Prevent Financial Corruption in the Iranian Banking System: Pathology and Improvement Strategies in Two Proactive and Reactive Areas

Sayyed Bahman Akbari

Necessities of the Contract in Iran's E-commerce Laws

Mohsen Fallah, Khatereh Derogar Lichahi

An Analysis of Strict and Lenient Incarceration Policy in the Criminal Law of the Armed Forces

Yasser Shakeri

Human Rights, Pragmatism and the Limits of Moral Theory: A Review of Human Rights as Politics and Idolatry

Soheil Golchin

inprotected.com